

دوفصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان  
سال دهم، شماره ۳۴، بهار و تابستان ۱۳۹۷ (صص ۸۶-۶۵)

## رقابت هژمونیک هندوستان و چین در جنوب و جنوب شرق آسیا (با تاکید بر مولفه های اقتصادی و نظامی)

مجید دشتگرد

محمدجواد فتحی

ماندانا تیشه یار

### چکیده

یکی از جلوه های رقابت دولت ها در عرصه سیاست بین الملل، رقابت های منطقه ای است. این مسأله افزون بر دامن زدن به بحث های مربوط به موازنه قوای منطقه ای، موجب شده که در هر منطقه جغرافیایی چندین قدرت بزرگ برای به دست آوردن برتری یا هژمونی در آن منطقه، امکانات و منابع خود را بسیج نمایند. این رقابت و بسیج منابع، در هر دو حوزه مولفه های سخت و نرم قدرت صورت می گیرد. در دهه اخیر، دو کشور چین و هند در مناطق جنوب و جنوب شرق آسیا به رقابت برای به دست آوردن برتری منطقه ای و تغییر موازنه به سود خود پرداخته اند. در این پژوهش تلاش بر آن است که رقابت هندوستان و چین در جنوب و جنوب شرق آسیا در زمینه های اقتصادی و نظامی مورد بررسی قرار گیرد. نگارندگان در صدد پاسخ به این پرسش هستند که در رقابت هندوستان و چین در جنوب و جنوب شرق آسیا مولفه های اقتصادی و نظامی چه نقشی داشته اند؟ براین اساس، فرضیه پژوهش بدین گونه است که دو مؤلفه اقتصادی و نظامی، نقش بنیادین در رقابت های هژمونیک دو کشور به عنوان ابزار زمینه ساز نفوذ و تسلط برای به دست آوردن هژمونی در مناطق جنوب و جنوب شرق آسیا بازی می کنند. روش این پژوهش تحلیلی است و از رویکرد کیفی نیز جهت تجزیه و تحلیل داده ها بهره گرفته شده است.

**کلید واژه ها:** هندوستان، چین، جنوب شرق آسیا، رقابت اقتصادی، رقابت نظامی، هژمونی.

### ۱-مقدمه

چین و هندوستان پس از انجام اصلاحات اقتصادی در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به سطح

---

۱-استادیار گروه مطالعات منطقه ای آسیای مرکزی و قفقاز دانشگاه علامه طباطبائی Email: mandana.tishehyar@atu.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول) Email: f.mjavad@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری گروه روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی Email: mj\_da@yahoo.com

قابل توجهی از پیشرفت اقتصادی در سال های نخست سده بیست و یکم دست یافتند. این دو قدرت پس از تحول اساسی در سیاست خارجی خود، در راستای به دست آوردن پایه های جدید قدرت در آسیا و حتی جهان گام برداشته اند. چین و هند با دارا بودن ۳۸ درصد جمعیت جهان، پرجمعیت ترین کشورهای جهان به شمار می آیند و رتبه آن ها در زمینه قدرت خرید، در میان پنج کشور برتر جهان جای دارد و سریع ترین اقتصادهای در حال رشد جهان هستند. از ۱۹۷۸ تا ۲۰۱۵ (۳۷ سال) نرخ رشد تولید ناخالص داخلی چین ۲۲ سال نامتوالی بالاتر از ۸ درصد بوده و در سال های اخیر، این نرخ بالای ۶ درصد برآورد شده است. (China NBS, Retrieved on Feb ۲۰۱۷) به این ترتیب، در حالی که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در سطح بین المللی در سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ به گفته صندوق بین المللی پول معادل ۳٫۵۶ درصد بوده، (IMF, ۲۰۱۷) می توان گفت که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی چین و هند بالاتر از نرخ رشد جهانی بوده و از نرخ رشد کشورهای در حال توسعه و گروه های اقتصادی نوظهور (Newfangled) نیز بیشتر است. (Wohlforth, 2009: 54). هندوستان از میانه سده بیستم، یعنی هنگامی که این کشور به استقلال دست یافت و سهم اش از تولید ناخالص جهانی بین یک تا دو درصد بود، به عنوان یک دولت جست و جوگر قدرت اقتصادی بیشتر در جهان شناخته شد. رشد اقتصادی هند در ابتدا آرام بود و توسط سوسیالیست ها که پس از استقلال به قدرت رسیده بودند، هدایت می شد؛ اما در دهه های اخیر تولید ناخالص داخلی هند با میانگین سالانه هفت درصد، در حال رشد است. این کشور امروزه با رشد خدمات و صنایع بزرگ مانند صنایع هسته ای و فضایی، کشوری مردم سالار، مهم و تأثیرگذار به شمار می آید. (Aggarwal, 2010: 185) هند خود را یکی از تمدن های بزرگ جهانی با بیش از پنج هزار سال فرهنگ می داند. جمعیت این کشور از یک میلیارد و دویست میلیون تن فراتر رفته و پیش بینی می شود که تا سال ۲۰۲۰ جمعیتی بیش از چین داشته باشد. همچنین هندوستان خود را یک کشور برخوردار از دانش فنی پیشرفته می داند، کشوری که پرجمعیت ترین مردم سالاری جهان را دارد؛ از یک کشور قحطی زده و دریافت کننده کمک های بین المللی، به یک صادرکننده غذا تغییر جا داده و بر این باور است که شایسته یک کرسی دائمی در شورای امنیت سازمان ملل متحد است و خود را لایق احترام و توجه بیشتر از سوی جامعه بین المللی می داند. (آرپیکرینگ، ۱۳۷۹: ۱۰۳-۱۰۴). اولویت اصلی سیاست خارجی هندوستان و چین، استیلا (Domination) و برتری بر آسیاست. چینی ها بر این باورند که سالیان دراز توسط کشورهای اروپایی و ژاپن تحقیر شده اند و

امروز هنگام آن رسیده که عظمت جهانشاهی گذشته خود را احیا کنند. هندی‌ها نیز در پی آن هستند تا در رقابت با چین، جلوه قدرت خود را در فراسوی مرزها نشان دهند؛ بنابراین تلاش‌های برتری جویانه هر دو دولت موجب رقابت میان آن‌ها در قاره کهن شده است (Santos-Paulino, 2010: xvi). در این میان، جنوب و جنوب شرقی آسیا پیش از هر حوزه جغرافیایی دیگری در معادلات هژمونیک هندوستان و چین مطرح هستند؛ چراکه جنوب شرق آسیا حوزه سنتی نفوذ چین و بخش جنوبی آسیا نیز حوزه سنتی نفوذ هندوستان به شمار می‌آیند و هر دو کشور پیش از هر چیز در پی تسلط بر حوزه نفوذ سنتی خود هستند. جلوه دیگر اهمیت جنوب و جنوب شرقی آسیا، وجود دریا و امکان رخ دادن ستیز میان دو کشور در این حوزه است. امروزه هندوستان و چین بخش قابل توجهی از واردات و صادرات خود را از راه‌های آبی انجام می‌دهند که به خطر افتادن امنیت این حوزه می‌تواند برای اقتصاد رو به رشد هر دو بازیگر خطرناک باشد. بر این اساس، در پژوهش حاضر به بررسی نقش مولفه‌های اقتصادی و نظامی در رقابت میان هندوستان و چین در جنوب و جنوب شرقی آسیا می‌پردازیم و تلاش می‌کنیم تا نشان دهیم که این دو مولفه در تکاپوی هژمونیک دو کشور در این حوزه جغرافیایی چه نقشی داشته‌اند.

#### ۱-۱- بیان مساله و پرسش‌های پژوهش

هندوستان و چین به عنوان دو قدرت بزرگ آسیایی در پی این هستند که بر حوزه‌های پیرامونی خود تسلط یافته و از این طریق هژمونی خود را بر کل منطقه آسیا تضمین کنند. این مساله این دو کشور را به یک رقابت اساسی در حوزه آسیا سوق داده است و منجر به شکل‌گیری مجموعه‌ای از تنش‌های اقتصادی و نظامی بین آنها در آسیا شده است. اما در نگرش هژمونیک دو کشور مناطق جنوب و جنوب شرقی آسیا به عنوان اولویت اساسی انتخاب شده است و هر دو کشور در پی این هستند که ابتدا تسلط خود را بر این حوزه‌ها به عنوان مناطق پیرامونی شکل دهند. چشم انداز استراتژیک دو کشور نسبت به مناطق یاد شده زمینه ساز شکل‌گیری رقابت شدید میان دو کشور شده است که این رقابت‌ها اساساً در دو زمینه اقتصادی و نظامی بوده است. هر دو کشور تلاش کرده‌اند که از طریق سازوکارهای اقتصادی و نظامی زمینه نفوذ و تسلط خود را فراهم سازند. در زمینه اقتصادی، هندوستان و چین در پی این بوده‌اند تا از راه افزایش تعاملات بازرگانی، بستن موافقتنامه‌ها و گسترش سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی نفوذ و تسلط حداکثری خود را بر جنوب و جنوب شرقی آسیا فراهم سازند. در حوزه نظامی نیز تقلاهی دو کشور برای تسلط بر مناطق مذکور

بر مانور نظامی، همکاری های امنیتی و دفاعی و بستن موافقتنامه های نظامی متمرکز بوده است. با توجه به اشاره کوتاهی که در رابطه با نگرش هژمونیک دو کشور هندوستان و چین نسبت به جنوب و جنوب شرق آسیا داشتیم، پرسش پژوهش حاضر این است که مولفه های اقتصادی و نظامی در رقابت هژمونیک هندوستان و چین در جنوب و جنوب شرق آسیا چه نقشی داشته اند؟ پاسخ ما به این پرسش این است که مولفه های نظامی و اقتصادی اساس رقابت هژمونیک میان این دو کشور را تشکیل داده اند و تقلای هژمونیک دو کشور پیش از هر چیزی در زمینه رقابت نظامی و اقتصادی بوده است. براین پایه، در این پژوهش ما به بررسی تلاش های استیلاجویانه دو کشور در زمینه های اقتصادی و نظامی در جنوب و جنوب شرق آسیا به عنوان مولفه های رقابت هژمونیک دو کشور می پردازیم.

#### ۱-۲- اهداف و ضرورت پژوهش

هدف اصلی ما از انجام پژوهش حاضر این است که نشان دهیم هندوستان و چین به عنوان دو قدرت بزرگ در حالت کشمکش برای تسلط بر جنوب و جنوب شرقی آسیا به عنوان مقدمه ای برای هژمونی و استیلا بر کل منطقه آسیا هستند و برای دولتمردان و تصمیم سازان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ضرورت دارد به این واقعیت های بین المللی واقف باشند تا بتوانند سوگیری سیاسی مناسبی را در قبال چین و هندوستان به عنوان دو کشور مدعی هژمونی آسیا اتخاذ نمایند. به ویژه این که جمهوری اسلامی ایران نیز در قاره آسیا واقع شده و با این دو قدرت ارتباط گسترده ای برقرار کرده است.

#### ۱-۳- روش تفصیلی پژوهش

روش استفاده شده در این پژوهش، روش تحلیلی است. بر اساس روش تحلیلی، ما رابطه دو مولفه رقابت اقتصادی و نظامی و رقابت هژمونیک را مورد واکاوی قرار می دهیم و نشان می دهیم که چه ارتباطی میان این دو مولفه با رقابت هژمونیک هندوستان و چین در جنوب و جنوب شرقی آسیا هست. روش تجزیه تحلیل داده ها نیز مبتنی بر روش کیفی است و فرضیه پژوهش بر اساس شاخص های تجربی و استدلال منطقی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

#### ۱-۴- پیشینه پژوهش

در ادبیات روابط بین الملل، پژوهش های زیادی درباره رشد هندوستان و ظهور چین و تلاش های این دو کشور برای حضور در حوزه جنوب و جنوب شرقی آسیا صورت گرفته است. با این

همه، این پژوهش‌ها کمتر به این مساله توجه داشته‌اند که رقابت در این حوزه‌ها بخشی از تقلاي دو کشور برای دست یافتن به هژمونی بر آسیاست. این مساله امری است که در پژوهش ما مورد بررسی قرار گرفته است. کریستین واگنر (Christian Wagner) در مقاله‌ای با عنوان "نقش هند و چین در جنوب آسیا" به بررسی نوع نگاه و عملکرد دو کشور هندوستان و چین در منطقه جنوب آسیا می‌پردازد و می‌گوید که نقش هندوستان نسبت به چین در این منطقه ضعیف‌تر است چرا که هندوستان توانمندی اقتصادی، سیاسی و نظامی کمتری نسبت به چین دارد و همچنین مبنای نگرش این کشور در جنوب آسیا بیشتر اقتصادی است. پانکاج جها (Pankaj Jha) در کتابی با نام "هند و چین در جنوب شرق آسیا: رقابت همکاری" به بررسی رقابت هندوستان و جنوب در حوزه جنوب شرقی آسیا می‌پردازد. ادعای اصلی نویسنده این است که نگرش هندوستان و چین نسبت به هم در این منطقه مبتنی بر رقابت شدید و همکاری‌های مقطعی و کوتاه است. سام بیتمن (Sam Bateman) و جوشا هو (Joshua Ho) در کتابی با نام "جنوب شرق آسیا و رشد قدرت دریایی چین و هند: در میانه قدرت‌های دریایی در حال رشد" ظهور و رقابت قدرت دریایی چین و هند در جنوب شرقی آسیا را به ویژه در خلیج بنگال، تنگه مالاکا و سنگاپور و دریای جنوبی چین مقایسه کرده و پیامدهای آن را نسبت به قدرت‌های دریایی کشورهایی مانند آمریکا، ژاپن و استرالیا بررسی می‌کنند.

## ۲- مبانی نظری پژوهش

پایه نظری این پژوهش مبتنی بر مفهوم هژمونی (Hegemony) است. آنتونیو گرامشی (Antonio Gramsci) در اوایل سده بیستم این مفهوم را ارائه داد. وی برای نشان دادن این مسأله که چگونه سامانه سرمایه داری به عنوان بهترین سامانه اقتصادی توسط بسیاری از کشورها پذیرفته شده است، مفهوم هژمونی را معرفی کرد. هژمونی نه تنها دارای یک عنصر قهری است، بلکه از سوی دیگر یک عنصر اداره کردن با رضایت کامل را نیز داراست. (Sutch and Elias, 2007: 117-118) هژمونی به معنای برتری و رهبری است. این رهبری در یک سامانه بین‌الملل از سوی «قدرت هژمون» (Hegemon Power) یعنی دولتی که از توانایی کافی برای ایفای این نقش برخوردار است، اعمال می‌شود. از آن پس دیگر دولت‌ها ناگزیر رابطه خود را با هژمون تعریف می‌کنند. آن‌ها می‌توانند رهبری آن‌را بپذیرند، یا با آن مخالفت کنند و یا نسبت به آن بی‌تفاوت باقی بمانند. (ایوانز، ۱۳۸۱: ۳۳۸). امانوئل والرشتاین (Immanuel Wallerstein) بر این باور است که

هژمونی در سامانه بینادولتی، به وضعیتی اشاره دارد که در آن رقابت میان قدرت‌های بزرگ به گونه‌ای نامتوازن است که یک قدرت به صورت گسترده‌ای قواعد و خواسته‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، دیپلماتیک و حتی فرهنگی خود را بر دیگران تحمیل می‌کند. (قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۸۳) افزون بر این، از نظر گرامشی، هژمونی یعنی تولید رضایت و اجماع فرهنگی؛ به سخن دیگر، هژمونی به معنای نوعی رضایت خودساخته و خودانگیخته است. برخلاف ایدئولوژی که حالتی از بالا به پایین، زورمندانه و گاه همراه با فریب و نیرنگ است، هژمونی آن‌چنان در همه ابعاد زندگی روزمره انسان حضور پیدا می‌کند که در قالب عقل سلیم درمی‌آید؛ مجموعه‌ای از عرف، عادات، راه رفتن، سخن گفتن، سلیقه، رسوم و غیره که همگی می‌توانند قالبی هژمونیک داشته باشند؛ شکل می‌گیرند، به گونه‌ای که گاه حتی افراد متوجه نمی‌شوند که در سیطره قدرت هژمون قرار دارند. (رائی تهرانی، ۱۳۸۸: ۱۰۴) این مساله نشان از آن دارد که افزون بر حوزه روابط بین‌الملل، مفهوم هژمونی در دیگر رشته‌ها و زمینه‌ها نیز می‌تواند دیده شود. هژمونی در روابط بین‌الملل با برداشت‌های متفاوت و گاه متضاد به کار برده شده است. گروهی هژمونی را در معنایی محافظه‌کارانه به کار برده‌اند. برای نمونه، پس از جنگ سرد و به‌ویژه پس از رخداد یازده سپتامبر، مفهوم هژمونی از سوی محافل سیاسی و مطالعاتی نومحافظه‌کار آمریکا برای توجیه و تبیین این وضعیت جدید و در برابر کسانی که از سامانه چندقطبی، موازنه قدرت (Balance of Power) و چندجانبه‌گرایی سخن می‌گفتند، مطرح شد. (کرمی، ۱۳۸۵: ۳) برخی نیز مفهوم هژمونی را با دید انتقادی در روابط بین‌الملل به کار برده‌اند. برای نمونه، تئوری نئوگرامشی رابرت کاکس و استفن گیل یک جریان انتقادی نسبت به سیاست جهانی است. در این پژوهش، مفهوم هژمونی در معنای استیلای نظامی و اقتصادی بر یک حوزه جغرافیایی به کار برده شده است. در واقع مفهومی که مورد توجه جان مرشایمر است. منظور از استیلا، تسلط کامل بر یک حوزه نیست، بلکه استیلا به معنای حداکثر تفوق بر یک حوزه جغرافیایی در سطح جهانی و یا در سطح منطقه‌ای است؛ چراکه هژمونی به این معنا نیست که یک قدرت برتر به هر آن‌چه می‌خواهد دست یابد، بلکه به این معناست که در بیشتر موارد به خواسته‌های خود برسد. (Layne, 2006: 11-12). هژمونی مبتنی بر ابزارهای قدرت است و از جمله ابزارهای قدرت نیز مولفه‌های اقتصادی و نظامی هستند. مورگنتا سیاست بین‌الملل را مانند دیگر عرصه‌های سیاست، مبارزه‌ای برای به دست آوردن و حفظ قدرت می‌داند و از طرفی مفهوم قدرت را با اصطلاح «عناصر قدرت ملی» (National Power) تعریف می‌کند و مانند دیگر واقع‌گرایان

کلاسیک، قدرت را با منابع مادی و غیرمادی معرفی می‌نماید و عناصری که پایه قدرت ملی به شمار می‌آیند را به عناصر ثابت و متغیر تقسیم می‌کند. عناصر ثابت که تا حد زیادی از سرشت و ذات دولت‌ها نشأت می‌گیرند، شامل جغرافیا، منابع طبیعی (غذا، منابع اولیه و...)، ظرفیت‌های صنعتی، سازمان‌دهی نظامی و جمعیت هستند. او همچنین چهار عامل غیرمادی و متغیر شامل خصوصیات ملی، ارزش‌های ملی، کیفیت دولت و کیفیت دیپلماسی که به قدرت ملی سمت‌وسو می‌دهد را نام برده است. (Schmidt, 2007: 49) بیشتر اندیشمندان واقع‌گرا نگرش مورگنتا به قدرت را می‌پذیرند و مولفه‌های اصلی قدرت را اساس قدرت ملی بازیگران دولتی می‌دانند. در این پژوهش، ما به دنبال نشان دادن رقابت دو کشور هندوستان و چین در دو مؤلفه قدرت مورد توجه مورگنتا یعنی مولفه‌های اقتصادی و نظامی در جنوب و جنوب شرق آسیا برای به دست آوردن هژمونی در این مناطق هستیم. نوع هژمونی که مد نظر ما می‌باشد نیز آن نوع هژمونی است که مورد توجه جان مرشایمر است یعنی تلاش قدرت‌ها برای تفوق بر یک منطقه. بنابراین نخست به بررسی سیاست‌های دو کشور در جنوب و جنوب شرق آسیا خواهیم پرداخت و سپس در دو حوزه اقتصادی و نظامی به ارائه شاخص‌های رقابت میان دو کشور پرداخته خواهد شد.

### ۳- بررسی سیاست‌های هندوستان و چین در جنوب و جنوب شرق آسیا

حوزه‌های جغرافیایی جنوب و جنوب شرقی آسیا در محاسبات هژمونیک هندوستان و چین جایگاه مهمی دارند؛ چراکه تسلط بر این دو حوزه جغرافیایی راهی برای استیلا بر دریای جنوبی چین و اقیانوس هند و به عبارتی، راهی برای تسلط بر دریاهاست. در واقع کشورهای آسیای جنوب شرقی برای چین حیاط خلوتی به شمار می‌آیند که در آینده هژمونیک این کشور می‌تواند تعیین‌کننده باشند و بخش جنوب آسیا نیز برای آینده هژمونیک هندوستان نقشی استراتژیک ایفا می‌کند. همچنین آسیای جنوب شرقی در برنامه‌های اقتصادی هندوستان و چین جایگاه ویژه‌ای دارد، به گونه‌ای که هر دو کشور تلاش کرده‌اند از راه بستن پیمان‌های دو یا چندجانبه، برتری اقتصادی خود را در منطقه شکل دهند. تلاش‌های اولیه هندوستان و چین در حوزه آسیای جنوب شرقی بر پایه گسترش روابط سیاسی، بازارگانی و اقتصادی بوده و پس از آن زمینه برای گسترش روابط به حوزه‌های نظامی و دفاعی نیز فراهم شده است. در دهه‌های اخیر، چرخه پایان‌ناپذیری از رقابت نظامی و اقتصادی میان چین و هندوستان در این مناطق به وجود آمده است. هندی‌ها در وهله

نخست تلاش می‌کنند تا بر منطقه نفوذ خود یعنی جنوب آسیا استیلا یابند و سپس دامنه نفوذ خود را به حیط خلوت چین - جنوب شرق آسیا و دریای جنوبی چین - گسترش دهند. چینی‌ها نیز در تلاش‌اند همراه با حفظ موقعیت خود در دریای جنوبی و حوزه جنوب شرقی آسیا، ارتباطات دریایی خود را با کشورهای واقع در جنوب آسیا گسترش دهند و از این راه حضور هندی‌ها را در این حوزه جغرافیایی به چالش بکشند. هر دو کشور تلاش کرده‌اند از راه واردکردن حوزه جنوب و جنوب شرقی آسیا در یک منطقه بازارگانی آزاد، نظم اقتصادی مطلوب خود را برپا سازند و از این راه، اهداف اقتصادی و بازارگانی‌شان را در این حوزه‌های جغرافیایی دنبال کنند. پیگیری منافع هندوستان و چین در این مناطق، از نیمه دهه ۱۹۹۰ برای گشودن قفل این مناطق با هدف به دست آوردن بازارهای مصرفی خارجی، رقابت میان این دو قدرت را شکل داد. (Kang and Cha, 2010: 90) سیاست نگاه به شرق دو کشور از میانه دهه ۱۹۹۰ یک راهبرد اساسی برای درست کردن زمینه‌های حضور در این مناطق به‌شمار می‌آید؛ به‌گونه‌ای که به گفته مانموهان سینگ (Manmohan Singh) نخست‌وزیر پیشین هندوستان، سیاست نگاه به شرق تنها یک سیاست اقتصادی خارجی نیست، بلکه یک حرکت راهبردی در پاسخ به تحول اقتصاد جهانی و همچنین تلاش برای درست کردن ارتباطات قوی در میان همسایگان در جنوب شرق و شرق آسیاست. (Amador and Others, 2011: 113). امروزه چینی‌ها تلاش می‌کنند تا از ورود هندوستان به ترتیبات اقتصادی و امنیتی آسیای جنوب شرقی جلوگیری نمایند و هندی‌ها نیز از تلاش‌های چین برای برپاداری سامانه اقتصادی و امنیتی چینی در جنوب آسیا ابراز ناخشنودی کرده‌اند. (See: Dragsbaek Schmidt, 27-29 April 2011) هندی‌ها تلاش کرده‌اند تا با انجام فعالیت‌های امنیتی و نظامی، به‌ویژه انجام مانورهای نظامی در شرق اقیانوس هند، راه خود را برای ورود به جنوب شرق آسیا و پس از آن، دریای جنوب چین بازگشایند و چین نیز راهبرد درست کردن راهگذری دریایی با همکاری جزایر اطراف هندوستان همچون سریلانکا و مالدیو را در پیش گرفته است. بنابراین هندوستان و چین، جنوب و جنوب شرقی آسیا را به یک میدان رقابت هژمونیک تبدیل کرده و برای تحقق این امر، سیاست گسترش ناوگان دریایی و انجام ساخت‌وسازهای بندری و نظامی در این مناطق را دنبال کرده‌اند. افزون بر این، هر دو کشور تلاش کرده‌اند تا از همکاری با قدرت‌های فرمانطقه‌ای به‌عنوان اهرمی برای فشار به دیگری استفاده کنند.



از این رو، از فردای جنگ سرد، هندوستان آمریکا را به عنوان شریک راهبردی خود انتخاب کرده است و چین نیز تلاش کرده از راه همکاری با روسیه، هندوستان را زیر فشار بگذارد. برای نمونه، در سال ۲۰۰۷ در مانوری در خلیج بنگال، هندوستان به همراه برخی کشورها از جمله آمریکا و ژاپن، به انجام مانور مبادرت ورزیدند و چینی ها نیز در همان زمان متقابلاً در روسیه و در چارچوب سازمان همکاری شانگهای به تمرین های رزمی زمینی دست زدند. (کگان، ۱۳۹۰: ۶۹-۶۸)

### ۳-۱- رقابت اقتصادی هندوستان و چین در جنوب و جنوب شرقی آسیا

#### ۳-۱-۱- سیاست های اقتصادی هندوستان در جنوب و جنوب شرقی آسیا

هندوستان تا پیش از دهه ۱۹۹۰ از برقراری ارتباط با منطقه جنوب شرقی آسیا غفلت کرده بود و ارتباط مبتنی بر بازارگانی آزاد و اقتصاد بازار با کشورهای جنوب شرقی آسیا در اولویت سیاست خارجی این کشور نبود. کشورهای آسیای جنوب شرقی به لحاظ اقتصادی در دهه ۱۹۶۰ از هندوستان کم تر توسعه یافته بودند و به عنوان یک بخش اقتصادی و بازارگانی غیرجذاب و بدون کشش برای برنامه ریزی و همکاری اقتصادی به نظر می رسیدند. اولویت سیاست های اقتصادی هندوستان نیز در آن دوران بیشتر پشتیبانی از صنایع داخلی خود بود. به دنبال فروپاشی شوروی و بحران اقتصادی در هند در سال ۱۹۹۱ که تغییر سیاست های اقتصادی هند را به همراه داشت، شرکای اقتصادی و راهبردی هند نیز تغییر یافتند. در دهه ۱۹۹۰ توسعه روابط اقتصادی میان هند و کشورهای آسیای جنوب شرقی آغاز و این امر با رشد قابل توجه اقتصاد هندوستان همراه شد. با ظهور سیاست نگاه به شرق هندوستان، این روابط استحکام یافت. در واقع، ظهور نظم جهانی نوین پس از جنگ سرد، هند را وادار به دگرگونی و تجدیدنظر در سیاست خارجی اش کرد و این کشور را به سوی تقویت همکاری های اقتصادی با کشورهای مناطق پیرامونی رهنمون ساخت. (Amador and Others, 2011: 112-113). نخستین گام هندوستان، تلاش برای وارد شدن به ترتیبات اقتصادی منطقه ای بود. در سال ۱۹۹۲ هند از طرف کشورهای آ.سه.آ. به عنوان یک شریک گفت و گوی غیر کامل (Treatment of Incomplete Dialogues) پذیرفته شد و در سال ۱۹۹۵ شریک گفت و گوی کامل آ.سه.آ. (ASEAN) شد و بالاخره در سال ۱۹۹۶ عضو رسمی مجمع منطقه ای آ.سه.آ. شد. هندی ها پس از تکمیل گام نخست، مبنی بر پیگیری سیاست نگاه به شرق و آغاز روابط اقتصادی با آ.سه.آ.، در گام دوم در اوایل سده بیست و یکم، برای

استحکام این روابط گام برداشتند. در واقع، در پایان دهه ۱۹۹۰ و اوایل سال ۲۰۰۰ بخش دوم سیاست نگاه به شرق هندوستان آغاز شد. در سال ۱۹۹۸ و در دوره نخست‌وزیری واجپای (*Atal Bihari Vajpayee*) سیاست نگاه به شرق هندوستان گسترش یافته و هندوستان تلاش بیشتری برای ارتباط با چهار کشور کامبوج، لائوس، میانمار و ویتنام انجام داد. هند در سال ۲۰۰۲ به‌عنوان یک شریک مهم آ.سه.آن به‌شمار می‌آمد و منطبق پشت سر آن نیز افزون بر تامین منافع اقتصادی، تلاش‌های مشابهی بود که چین در این راستا به‌عمل می‌آورد. (Hong, 2006: 3). هندی‌ها افزون بر بستن پیمان‌های دوجانبه همکاری و مودت، برای درست کردن یک منطقه بازار آزاد با آ.سه.آن نیز تلاش لازم را انجام دادند. اینگونه اقدامات از سوی چین نیز در جریان بود. در اوایل سده بیست‌ویکم هر دو کشور توانستند بسیاری از اهداف اقتصادی و بازرگانی خود در منطقه را برآورده نمایند. افزون بر این، هندوستان با اندونزی، مالزی، سنگاپور و تایلند برای برپا کردن انجمنی مربوط به کناره‌های اقیانوس هند برای شکل دادن به همکاری‌های منطقه‌ای متحد شدند. همچنین افزون بر ارتباط با کشورهای بالا، گروه همکاری مکونگ - گانگا (*Mekong-Ganga Cooperation*) میان کشورهای هند، میانمار، تایلند، کامبوج، لائوس و ویتنام پایه شکل دهی منافع متقابل آ.سه.آن و هندوستان در این حوزه شد. (Denoon, 2007: 11). تا سال ۲۰۱۲ هندی‌ها موفقیت‌های بسیاری در رقابت با چین برای استیلای اقتصادی بر منطقه به دست آوردند و پس از گذشت دو دهه از روابط هندوستان و آ.سه.آن، هندی‌ها به سطح قابل توجهی از همکاری‌ها با این سازمان منطقه‌ای دست یافته بودند. در سال ۲۰۱۱ بیش از سه درصد از سهم کل بازرگانی آ.سه.آن به هند اختصاص یافت. این رقم در سال ۱۹۹۳، حدود یک درصد و در سال ۲۰۰۳، حدود ۲٫۶ درصد بود. همچنین از کل صادرات به آ.سه.آن، یک درصد متعلق به هندوستان بود که این مقدار تا سال ۲۰۱۱ به دو درصد افزایش یافت. در سال ۲۰۱۴ این رقم به ۲٫۷ درصد رسید. (Data ASEAN Economic Community Chartbook 2013, 2014, p21 های ۲۰۱۴-۲۰۱۵ سهم آ سه آن از صادرات کل هندوستان ۱۰٫۲ درصد و در سال های ۲۰۱۶-۲۰۱۵ نیز به ۹٫۶ درصد رسید. (India ASEAN Trade and Investment Relation, 2016, p5 جدول زیر تجارت کالا میان هند و آسه آن را از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ نشان می دهد

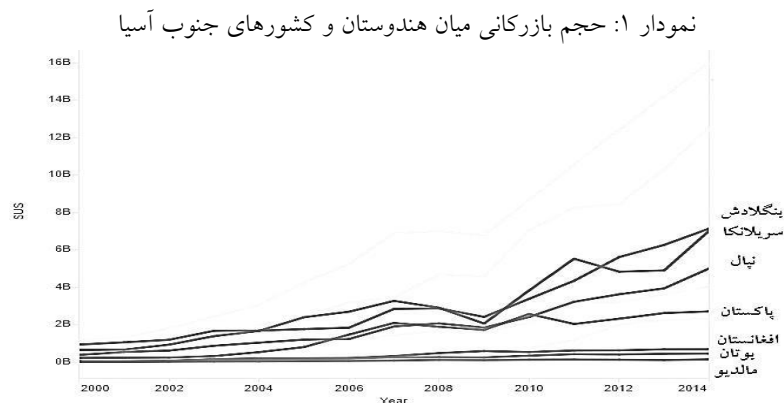
جدول ۱: تجارت کالا میان هند و آسه آن از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ (بر حسب درصد و میلیارد دلار)

Year	India's exports to ASEAN	Share in India's Total exports	India's Imports from ASEAN	Share in India's total Imports	Trade Balance	Total Trade
(1)	(2)	(3)	(4)	(5)	[(2)-(4)]	[(2)+(4)]
2000-01	2.91	6.5	4.15	8.2	-1.24	7.06
2005-06	10.41	10.10	10.88	7.3	-0.47	21.29
2006-07	12.61	10.0	18.11	9.7	-5.50	30.72
2007-08	16.41	10.1	22.67	9.0	-6.26	39.08
2008-09	19.14	10.3	26.20	8.6	-7.06	45.34
2009-10	18.11	10.1	25.80	8.9	-7.69	43.91
2010-11	25.63	10.3	30.61	8.3	-4.98	56.24
2011-12	36.74	12.0	42.16	8.6	-5.42	78.9
2012-13	33.00	11.0	42.87	8.7	-9.87	75.87
2013-14	33.13	10.5	41.28	9.2	-8.15	74.41
2014-15	31.81	10.2	44.71	10.0	-12.90	76.52
2015-16	25.20	9.6	39.84	10.5	-14.64	65.04

(source: India ASEAN Trade and Investment Relations, 2016)

هندوستان افزون بر آسیای جنوب شرقی، برای استیلا بر حوزه جنوب آسیا یعنی زیرسیستم منطقه‌ای خود نیز تلاش کرده است. دهلی‌نو برای درست کردن یک فضای باز متشکل از کشورهای جنوب آسیا و برپایی همکاری‌های منطقه‌ای، اقدامات لازم را انجام داده و پشتیبان اصلی برپایی «منطقه تجارت آزاد جنوب آسیا» (South Asian Free Trade Area) بوده است. هندی‌ها در سال ۲۰۰۶ برای دست یافتن به خواسته خود با هفت کشور عضو سارک به گفت‌وگو پرداختند. اعلام هندوستان مبنی بر قطع تعرفه واردات تا سال ۲۰۱۳ گامی اساسی و مهم برای پیشبرد مقاصد آن برای همکاری با گروه سارک به‌شمار می‌آید. در سال ۲۰۱۴ هندوستان به تنهایی بیش از ۲۴ درصد صادرات به هفت کشور دیگر عضو سارک را به خود اختصاص داده بود. (Indian Trade Portal, Retrieved on Feb ۲۰۱۷) همچنین صادرات هندوستان به دولت‌های عضو سارک ۷۷ درصد از کل حجم بازرگانی منطقه‌ای هندوستان را تشکیل می‌دهد. برای نمونه، بازرگانی در زمینه همکاری‌های اقتصادی و فناوری با سریلانکا در سال‌های اخیر گسترش چشمگیری یافته است. سریلانکا کشوری است که صادرات هندوستان به آن بیش از ۶۲ درصد از جریان بازرگانی این کشور را به خود اختصاص داده است. (Ibid) هندوستان همچنین برای گسترش همکاری‌های دوجانبه با کشورهای عضو سارک تلاش کرده است. رهیافت «کشور به کشور» (State to state) برای هندوستان برای همکاری اقتصادی مزایای زیادی را فراهم آورده و امکان مانور و انعطاف بیشتری را به هندی‌ها داده است. در بوتان و نپال، هند به‌صورت آشکار موقعیتش را به‌عنوان تنها فروشنده به این دو کشور تثبیت کرده است. در سرزمین محصور در

خشکی بوتان، هند مقصدی برای تامین ۵۷ درصد از صادرات این کشور است و در مورد نپال نیز چنین وضعیتی وجود دارد. ارتباط بازرگانی با هند بیش از ۴۷ درصد از سهم بازرگانی نپال را شامل می‌شود. پیمان منطقه تجارت آزاد که هندوستان با این دو کشور بسته، موقعیت هند را به‌عنوان دروازه‌بان جغرافیایی و نمایندگی انحصاری بازرگانی با این دو کشور تثبیت نموده است. (Kang and Cha, 2010: 88-89) شکل زیر رشد بازرگانی کالا میان هندوستان و کشورهای جنوب آسیا را نشان می‌دهد:



Anderson, Ashlyn (2015) "Economics of Influence: China and India in South Asia", Council on Foreign Relations, in: <http://www.cfr.org/economics/economics-influence-china-india-south-asia/p36862>

### ۳-۱-۲- سیاست های اقتصادی چین در جنوب و جنوب شرق آسیا

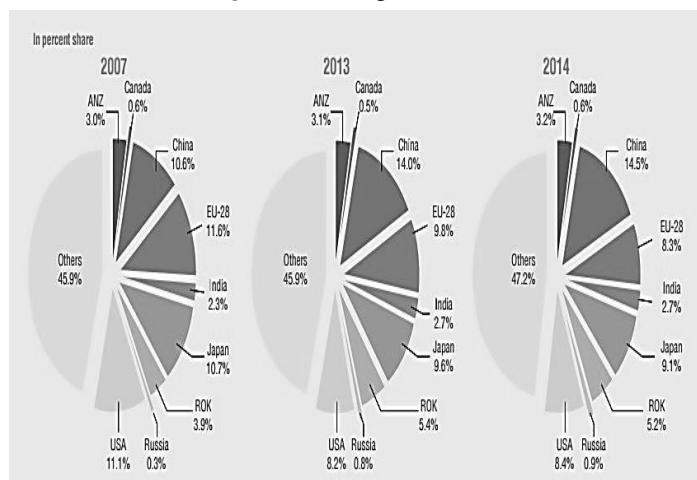
چینی‌ها نیز در برابر تلاش‌های هند، توجه خود را به حوزه جنوب و جنوب شرقی آسیا سوق داده و به این حوزه جغرافیایی به‌عنوان منطقه اقتصادی ویژه و راهبردی می‌نگرند. چین به‌خوبی می‌داند که هند در پی یافتن برتری اقتصادی بر منطقه است. از این رو پکن نیز در تلاش است تا همراه با برپایی ترتیبات اقتصادی چینی، از گسترش حضور رقیب خود یعنی هندوستان در این حوزه جغرافیایی جلوگیری کند. در واقع، پیشرفت‌های فوق‌العاده چین در منطقه جنوب شرقی آسیا، از حوزه اقتصادی ناشی شده است. در سال ۲۰۰۰ رئیس‌جمهور پیشین فیلیپین گفته بود که «به روشنی من فکر می‌کنم که چین می‌خواهد بر آسیا غلبه یابد.» (Kang and Cha, 2010: 88-89). تلاش چینی‌ها این است که ترس از حضور خود را در میان کشورهای همسایه کاهش دهند. «یانگ جی ای چی سفیر چین در آمریکا در یک سخنرانی در سال ۲۰۰۲ اعلام کرد که «جزر و مد

همه قایق‌ها را بالا می‌برد.» این گفته می‌تواند به این معنا باشد که چینی‌ها می‌خواهند در آسیای جنوب شرقی ماندگار شوند. (Economy, 2005: 413) همچنین چینی‌ها در تلاش‌اند تا روابط اقتصادی خود را با کشورهای عضو سارک و همسایگان هندوستان افزایش دهند. تا پیش از سال ۱۹۹۰ میان چین و آ.سه.آن هیچ‌گونه رابطه رسمی وجود نداشت. اگرچه چین به‌طور غیررسمی با برخی دولت‌های عضو آ.سه.آن روابط دوجانبه داشت، اما از اواخر دهه ۱۹۸۰ چین تلاش خود را برای پایه‌گذاری روابط دیپلماتیک با اعضای اصلی آ.سه.آن و برپایی روابط رسمی با آنها افزایش داد. پس از پایه‌گذاری روابط دیپلماتیک با سنگاپور در سوم اکتبر ۱۹۹۰، چین برای ارتقای روابط رسمی با آ.سه.آن تلاش بیشتری کرد. در سال ۱۹۹۱ وزیر امور خارجه چین در بیست و چهارمین نشست وزرای آ.سه.آن در مالزی بر تمایل چین به همکاری با این نهاد تأکید کرد و در سال ۱۹۹۳ میان طرفین دو گروه مشترک درست شد؛ یکی در زمینه همکاری‌های علم و فناوری و دیگری در زمینه‌های مربوط به اقتصادی و همکاری‌های بازرگانی. از اوایل سده بیست و یکم و بهبود روابط با آ.سه.آن، چینی‌ها به موفقیت‌های بسیاری برای ورود به بازارهای آ.سه.آن دست یافتند. سرمایه‌گذاری چین در آ.سه.آن تا سال ۲۰۰۱ به ۱۰۱ میلیون دلار رسید که در واقع ۷,۷ درصد از سرمایه‌گذاری خارجی چین را شامل می‌شد. منطقه تجارت آزاد پیشنهادشده میان چین و آ.سه.آن نیز یک وزنه سنگین در روابط این دو بازیگر به‌شمار می‌آید. در واقع تلاش چین برای ساخت منطقه آزاد تجاری در نشست «آ.سه.آن+۳» (ASEAN+3) در نوامبر ۲۰۰۰ آغاز شد که چین به‌طور رسمی مسئله برپایی منطقه تجارت آزاد به‌مدت ده سال را مطرح کرد و گفت‌وگوهای رسمی در این باره در سال ۲۰۰۳ آغاز شد. در نتیجه این گفتگوها، در سال ۲۰۱۰ این طرح برای چین و شش کشور اصلی آ.سه.آن یعنی برونئی، اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند آغاز و تا سال ۲۰۱۵ کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته همچون کامبوج، لائوس، میانمار و ویتنام نیز به این توافقنامه افزوده شدند. (See: Salidjanova & Koch & Klanderma, March 17, 2015)

چینی‌ها با در پیش گرفتن راهبرد اقتصادی کارآمد، توانستند به‌خوبی بر بازارهای جنوب شرقی آسیا استیلا یابند. از کل سهم بازرگانی آ.سه.آن در سال ۱۹۹۳ دو درصد آن مربوط به چینی‌ها بود که در سال ۲۰۰۷ توانستند این رقم را به هفت درصد و در سال ۲۰۱۱ نیز به ۱۲ درصد برسانند. در سال ۲۰۱۳ در حدود ۷۸ درصد بازرگانی کشورهای عضو این مجمع با دیگر کشورهای جهان بوده است. سهم چین از این میان، ۱۴ درصد بوده که در مقایسه با سهم آمریکا (در حدود ۸ درصد)

گویای جایگاه برتر چین در میان شرکای بازرگانی آ.سه.آن است. (Ibid, p.۴) در سال ۲۰۱۲ دهمین سالگرد امضای موافقت‌نامه همکاری گسترده اقتصادی و همکاری در حوزه علم و فناوری میان چین و آ.سه.آن برگزار شد که هر دو طرف در این نشست خواستار ارتقای سطح روابط راهبردی شدند. شکل زیر سهم هندوستان و چین را در بازرگانی با آ.سه.آن بر حسب درصد از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ نشان می‌دهد:

نمودار ۲: روابط بازرگانی هندوستان و چین با آ.سه.آن

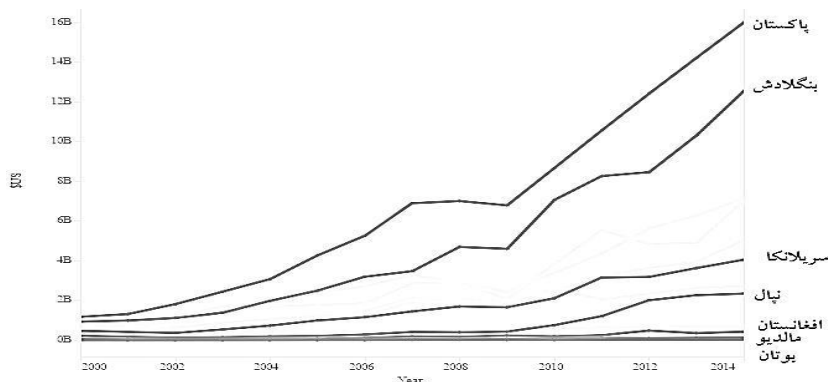


(Data ASEAN Economic Community Chart book 2014, 2015, p. 25)

تلاش چینی‌ها برای گسترش نفوذ در حوزه جنوب آسیا موجب هراس هندوستان شده است، چراکه هندی‌ها به‌خوبی آگاهند که نفوذ بر کشورهای آسیای جنوب‌شرقی راهی برای ورود به بازارهای جنوب آسیا نیز هست. در سال ۲۰۰۷ قائم مقام وزیر دفاع هندوستان «پالام راجو» (Pallam Raju) نسبت به تلاش چین برای نفوذ در کشورهای همسایه هشدار داد. او با اشاره به حضور چین به‌عنوان یک سد راه بزرگ برای سرمایه‌گذاری هند در زیرساخت‌های ترابری در میانمار، گفت که: «ما به فعالیت بیشتر در منطقه خود نیاز داریم، اما چین در حال گسترش حضورش در همه جهان است.» (Kang and Cha: 2010: 14). در سال‌های اخیر، پکن روابط اقتصادی خود را با کشورهای جنوب آسیا به‌ویژه پاکستان، که همواره با هندوستان اختلاف مرزی داشته، گسترش داده است. در سال ۲۰۰۱ دو کشور به یک توافق همکاری برای توسعه بندر گوادر (Gwadar port) دست یافتند. همچنین پکن پنج میلیون دلار به پاکستان اعطا کرده و ۱۵۰

میلیارد دلار وام کم بهره را نیز به پاکستان داده است. پکن با دیگر کشورهای حوزه جنوب آسیا نیز روابط اقتصادی خود را گسترش داده است. چین در نپال سرمایه‌گذاری‌های بزرگی انجام داده، چرا که نپال همیشه به‌عنوان یک ضربه‌گیر در برابر تجاوزهای نظامی به چین مطرح بوده است. چین از راه طرح «اولویت نخست» (The first priority) بناست که پنج خط آهن در نپال راه اندازی کند. در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ صادرات نپال به چین رقم بالاتری نسبت به واردات این کشور داشته است. چین برای فراهم کردن معافیت گمرکی برای کالاهای تولیدی در نپال موافقت کرده و نپال فهرستی شامل ۱۵۵۰ گزینه از کالاها را برای صادرات به چین مشخص کرده که تعرفه آنها صفر است. پشتیبانی‌های اقتصادی چین از نپال در راستای نفوذ در جنوب آسیا و تسخیر حوزه نفوذ هندوستان در این منطقه، قابل ارزیابی است. چین همچنین برای نفوذ در مالدیو و سریلانکا، که هند آن را حوزه منافع خود قلمداد می‌کند، تلاش کرده است. حضور چینی‌ها در بندر مارائوی (Marao) مالدیو، بندر همبانتوتا (hambantot) در سریلانکا و جزیره کوکو (coco) در میانمار برای هند پذیرفتنی نیست. چین در این مناطق در حال درست کردن زنجیره‌ای از مراکز نیروی دریایی و همچنین خطوط ارتباطات دریایی است. استراتژی «رشته‌ای از مروارید» (The String of Pearls Strategy) – امکان نفوذ در مناطق راهبردی مانند بنگلادش، سریلانکا، مالدیو و سیشل را برای چینی‌ها فراهم می‌آورد. (Kang and Cha: Ibid: 93-156) شکل زیر رشد روابط بازرگانی چین با کشورهای جنوب آسیا را تا سال ۲۰۱۴ برحسب میلیارد دلار نشان می‌دهد:

نمودار ۳: روابط بازرگانی چین با کشورهای جنوب آسیا



Anderson, Ashlyn (2015) "Economics of Influence: China and India in South Asia", Council on Foreign Relations, in: <http://www.cfr.org/economics/economics-influence-china-india-south-asia/p36862>

## ۴- رقابت نظامی هندوستان و چین در جنوب و جنوب شرقی آسیا

## ۴-۱- سیاست های نظامی هندوستان

تلاش هندوستان و چین برای برپایی هژمونی آسیایی خود، به رقابت های نظامی میان این دو کشور در حوزه جنوب و جنوب شرقی آسیا دامن زده است. هر دو کشور در پی آن اند که استیلای نظامی خود را بر منطقه برپا ساخته و از این راه بخشی از زمینه های تحقق هژمونی خود را فراهم سازند. بر این پایه، هر دو کشور به بستن توافقات، انجام مانورهای نظامی و همکاری های دفاعی در منطقه پرداخته و از این راه تلاش کرده اند که نفوذ نظامی خود را تثبیت نمایند. استیلای چین بر جنوب و جنوب شرقی آسیا یک علت بنیادین برای نگرانی هندوستان در این منطقه است. چین پشتیبانی نظامی از همه همسایگان خود را افزایش داده و همچنین با پشتیبانی از برنامه هسته ای پاکستان، نشان داده که علاقه چندانی به برقراری روابط صمیمانه با هند ندارد؛ در واقع حضور چین در جنوب و جنوب شرق آسیا یک نگرانی امنیتی جدی را برای هندی ها پدید آورده است. وجود یک کشور زیر پشتیبانی چین در پیرامون، تهدیدی جدی برای منافع هندوستان است و این مساله از راه تلاش چین برای ارتباط با کشورهای آسیای جنوب شرقی که برخی از آن ها با هند همسایه هستند، در حال انجام است. بنابراین طبیعی است که هندی ها نیز برای گسترش روابط نظامی شان با آ.سه. آن تلاش کنند. از سوی دیگر، تلاش چین برای نفوذ در آ.سه. آن موجب هراس کشورهای آسیای جنوب شرقی شده و این مساله زمینه توجه بیش از پیش این کشورها به هندوستان را فراهم ساخته است. در واقع یکی از دلایل توجه آ.سه. آن به هندوستان، رشد قدرت چین و به ویژه حضور ناوگان دریایی این کشور در این منطقه است. بنابراین کشورهای آ.سه. آن هندوستان را به عنوان یک نیروی دریایی بزرگ در اقیانوس هند، یک کشور با قابلیت های هسته ای و یک شریک استراتژیک برای رویارویی با رشد منطقه ای چین می شناسند. با این حال، کشورهای آ.سه. آن از جاه طلبی های هژمونیک هندی ها نیز آگاهند و می دانند که قابلیت های هسته ای و دریایی هندوستان نیز می تواند در پی استیلای بیشتر بر منطقه باشد. بر این پایه، میل هندی ها به دست یافتن به موافقت نامه همکاری و مودت و همچنین موافقت نامه منطقه عاری از تسلیحات هسته ای آسیای جنوب شرقی یک راه مناسب و قابل اطمینان برای تامین نیات منطقه ای هندوستان بوده است (Anand, 2009: 4-6). هند پس از فروپاشی شوروی و به ویژه در اوایل سده بیست و یکم به سوی همکاری بیشتر نظامی با آ.سه. آن گام برداشت. هند از دهه ۱۹۹۰ وارد یک تعهد نظامی آزمایشی با ملل آسیای جنوب شرقی



شد که یکی از نتیجه آن، بستن یک توافق همکاری دفاعی (Defense Cooperation Agreement) دوجانبه با سنگاپور در سال ۲۰۰۳ بود. پس از رویداد سونامی، ناوگان دریایی هندوستان به ناوگان دریایی ژاپن، آمریکا و استرالیا برای کمک به کشورهای آسیای جنوب شرقی پیوست. در سال ۲۰۰۵ نیز - برای نخستین بار - ناو هواپیمابر هندوستان به سواحل آسیای جنوب شرقی از جمله کشورهای سنگاپور، اندونزی و مالزی وارد شد (Mohan, 2013: 28). دیپلماسی نظامی هندوستان در زمینه مانورهای نظامی، در سال ۲۰۰۷ در مانور مشترک با آمریکا، ژاپن، استرالیا و سنگاپور در خلیج بنگال به اوج خود رسید. بر این پایه، هندوستان در مدت زمان اندکی به بستن موافقت‌نامه‌های همکاری امنیتی با شماری از کشورهای آسیای جنوب شرقی مانند سنگاپور، اندونزی، مالزی، ویتنام و کامبوج روی آورد. دهلی‌نو به ویژه با ویتنام روابط نزدیکی برپا ساخت که نشانگر توجه ویژه این کشور در موازنه سازی در برابر پکن است. هندی‌ها تا سال ۲۰۱۲ توانستند به رشد قابل توجهی از روابط امنیتی و دفاعی با آ.سه. آن دست یابند. در سال ۲۰۱۲ فرماندهی ناوگان دریایی هندوستان گفت که در صورت وجود خطر، آماده است ناوگان خود را به دریای جنوب چین اعزام کند. (Ibid) در نشست بزرگداشت روابط هند و آ.سه. آن در سال ۲۰۱۲، هر دو طرف بر گسترش روابط امنیتی و دفاعی خود تأکید کردند و خواستار افزایش همکاری‌های استراتژیک و امنیتی به ویژه در حوزه ناوگان دریایی شدند. هندی‌ها همچنین موفق شده اند شمار زیادی از موافقت‌نامه‌های امنیتی و نظامی را به صورت دو یا چندجانبه با اعضای آ.سه. آن ببندند. این توافق‌ها در واقع راهگشای ورود نظامی هندوستان به منطقه جنوب شرقی آسیا بوده است. برپایه دیدگاه وزیر امور خارجه پیشین هندوستان، در واقع تعامل با منطقه آسیای جنوب شرقی در ارتباط با سیاست‌های استراتژیک هند در برابر تهدیدهای رو به رشد چین در منطقه بوده است (Hong, 2006: 9). تمایل هندوستان برای انجام مانورهای مشترک و بستن موافقت‌نامه‌های دفاعی نیز در همین راستا صورت گرفته و نیروی دریایی این کشور به واسطه احساس خطر از سوی چین، با سنگاپور، ویتنام و قدرت‌های فرامنطقه‌ای جنوب شرقی آسیا مانند کره جنوبی و ژاپن برای به دست آوردن اطمینان از امنیت آبراه‌های استراتژیک از جمله تنگه مالاکا اقدام به برگزاری مانور مشترک کرده است. جدول صفحه بعد شماری از مهم ترین پیمان نامه‌های دفاعی و امنیتی کشور هند و آ.سه. آن را نشان می‌دهد:

جدول ۲: روابط امنیتی و دفاعی دوجانبه هند و آسیه. آن تا سال

ردیف	نام	توافقات صورت گرفته
۱	سنگاپور	- پیمان نامه همکاری دفاعی در سال ۲۰۰۳ - پیمان نامه همکاری نیروی هوایی در سال ۲۰۰۷ و تجدید شده در سال ۲۰۱۲
۲	مالزی	- همکاری نظامی در سال ۱۹۹۳ شامل: سرمایه‌گذاری‌های مشترک، پروژه توسعه مشترک، خدمات و آماده، پشتیبانی و حفاظت و آموزش
۳	اندونزی	پیمان نامه همکاری دفاعی در سال ۲۰۰۱
۴	فیلیپین	پیمان نامه همکاری دفاعی در سال ۲۰۰۶
۵	تایلند	همکاری‌های دفاعی در سال ۲۰۱۲
۶	ویتنام	- پروتکل همکاری‌های دفاعی در سال ۲۰۰۰ - پیمان نامه همکاری‌های استراتژیک در سال ۲۰۰۷ - پیمان نامه همکاری‌های دوجانبه دفاعی در سال ۲۰۰۹ شامل: دفاع ملی، صنعت و فناوری نظامی، تمرین و آموزش

Brewster, David (2013) India's Defense Strategy and the India-ASEAN Relationship", At Ajaya Kumar Das, India-ASEAN Defense Relations, Singapore: S. Rajaratnam School of International Studies.p131

تلاش هندوستان برای نفوذ در جنوب آسیا و جلوگیری از ورود چین به این سرزمین‌ها و به‌ویژه اقیانوس هند آشکارتر است. هندی‌ها پیش از هر چیز در پی تفوق بر کشورهای جنوبی آسیا، به‌ویژه کشورهای واقع در بخش جنوبی هند مانند سریلانکا و مالدیو و حفظ امنیت آب‌های مجاور آن هستند. هم‌اکنون حدود ۹۵ درصد از صادرات هندوستان از راه آب‌های مجاور صورت می‌گیرد و بیش از ۸۱ درصد از میزان نفت مصرفی آن از دریای عرب وارد می‌شود که به خطر افتادن این حوزه آبی می‌تواند برای هندوستان سد بزرگی در راه رسیدن به ایده قدرت منطقه‌ای و به دست آوردن هژمونی در آسیا باشد. بر این پایه، دریاسالار مهتا (Admiral Sureesh Mehta) از فرماندهان ارتش هند گفته است که «چین در حال شکل دادن به میدان نبرد دریایی در منطقه است و این به تلاش برای یافتن دوستانی در سمت راست مربوط می‌شود. اگر شما توانایی عمل کردن در آب‌های اقیانوس هند را برای مدت طولانی نداشته باشید، بنابراین به دوستانی نیاز خواهید داشت

که شما را پشتیبانی کنند. هنگامی که زمانش برسد، بی تردید چین این کار را خواهد کرد. برای نمونه، این پشتیبانان شامل کشورهای چین، پاکستان، بنگلادش، میانمار، سریلانکا و بخش‌های پایینی آفریقا هستند.» (Ibid: 136)

#### ۴-۲- سیاست‌های نظامی جمهوری خلق چین

در راهبرد چین نیز استیلائی نظامی بر جنوب و جنوب شرقی آسیا - به‌ویژه تسلط بر حیاط خلوت خود یعنی بخش آسیای جنوب شرقی و همچنین دریای جنوبی چین، جایگاه ویژه‌ای دارد. چین پس از انجام اصلاحات اقتصادی و تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی بزرگ، افزایش قدرت نظامی و تسلط بر همسایگان را در اولویت قرار داده است. در این راستا چین نیز مانند هندوستان در حوزه امنیتی طرح‌های متفاوتی را برای گسترش نفوذ نظامی خود از راه بستن توافقات دفاعی و امنیتی و انجام مانورهای مشترک در منطقه در دستور کار گذاشته است. از این رو، همکاری‌های چین و آ.سه. آن در حوزه امنیتی در حال گسترش است. در اجلاس سران آ.سه. آن - چین در ژانویه ۲۰۰۷، چین ابتکاراتی را برای تقویت همکاری در حوزه‌های امنیت غیر سنتی ارائه نمود و بر اهمیت همکاری‌های دفاعی و مبادله‌های نظامی تأکید کرد. (سلیمانی، ۱۳۸۹: ۱۹۱). روابط امنیتی چین و آ.سه. آن تا دهه ۱۹۹۰ به دلیل اختلافات سرزمینی در دریای جنوبی چین به‌ویژه با فیلیپین و ویتنام تاحدی تیره بود؛ اما در سال ۲۰۰۰ تنش‌ها کاهش یافت و پس از آن چین همکاری‌های دفاعی و امنیتی خود را با این سازمان منطقه‌ای گسترش داد. چین و آ.سه. آن در زمینه پیمان‌های امنیتی غیر سنتی از جمله مواد مخدر با لائوس، میانمار و تایلند همکاری می‌کند. در سال ۲۰۱۲ نیز در نشست میان آ.سه. آن و چین هر دو طرف بر گسترش همکاری‌ها در سطوح بالاتر استراتژیک تأکید کردند. تلاش چین تنها به آسیای جنوب شرقی و دریای جنوبی چین معطوف نیست. نفوذ به اقیانوس هند نیز جزئی از اهداف این کشور به شمار می‌آید. چین روابط خود را با پاکستان نیز گسترش داده است و به‌ویژه پس از آزمایش موفقیت‌آمیز هندوستان در زمینه هسته‌ای، به برنامه‌های هسته‌ای پاکستان کمک کرده و در ساختن بندر گوادر به این کشور یاری رسانده است. همچنین تلاش کرده تا به نپال که میان هر دو کشور است کمک کرده و ارتباط ریلی خود با این کشور را برقرار نماید. چین همچنین راهبرد «رشته‌ای از مروارید» را در اقیانوس هند در پیش گرفته است. منظور از این راهبرد درست کردن حلقه‌ای از ارتباطات دریایی با کشورهای اقیانوس هند است. بر این پایه، چین نفوذ خود را در بندر مارائوی مالدیو، بندر مبانوتوتا در سریلانکا و جزیره کوکو در میانمار گسترش

داده است. همچنین تلاش کرده تا حضور دریایی خود را از دریای عرب به سوی خلیج بنگال جابه‌جا کند. استراتژی «رشته‌ای از مروارید» در واقع، در برابر سیاست نگاه به شرق هندوستان گویای گسترش حوزه نفوذ چین به اقیانوس هند و تلاش برای سلطه بر این بخش از آسیاست.

##### ۵- نتیجه

هندوستان و چین در دوره جنگ سرد، تحت تأثیر ایدئولوژی سوسیالیسم قرار داشتند و لذا درگیر در بازی دو ابرقدرت امریکا و شوروی بودند. چین در سال ۱۹۷۹ اصلاحات اقتصادی را آغاز کرد و هندوستان نیز یک دهه پس از چین دست به اصلاحات در این حوزه زد. اصلاحات اقتصادی موجب افزایش توانمندی دو کشور شد؛ به گونه‌ای که در اوایل سده بیستم هر دو کشور به سطح قابل توجهی از رشد و توسعه اقتصادی رسیدند. افزایش توانمندی اقتصادی، گسترش ظرفیت نظامی متناسب با آن را برای دو کشور ضروری ساخت و از این رو، هر دو کشور در پی بسیج منابع نظامی خود متناسب با ظرفیت‌های اقتصادی برآمدند؛ به گونه‌ای که تا سال ۲۰۱۲ توانستند به رده قدرت‌های برتر نظامی جهان وارد شوند. در واقع، افزایش توانمندی‌های داخلی، هر دو کشور را به سوی تلاش برای به دست آوردن هژمونی در آسیا سوق داده و موجی از رقابت در حوزه‌های گوناگون جغرافیایی در منطقه آسیا پدید آورده است. جنوب آسیا برای هندوستان و جنوب‌شرقی آسیا برای چین حیاط خلوتی به شمار می‌آیند که نباید مورد نفوذ رقیب واقع شوند و باید از اهداف جاه‌طلبانه رقبا در امان باشند. هر دو کشور افزون بر این که تلاش کرده‌اند این بخش‌ها را در یک حوزه بازرگانی آزاد وارد نمایند، درصدد هستند تا تفوق نظامی خود را نیز تحقق بخشند. بر این پایه، هندوستان و چین به بستن پیمان‌های اقتصادی و دفاعی با کشورهای منطقه مبادرت ورزیده‌اند. در این شرایط، می‌توان انتظار داشت که با تداوم روندهای کنونی، در آینده شاهد افزایش رقابت‌ها بر سر منابع و بازارهای اقتصادی و به دنبال آن، افزایش مسابقه تسلیحاتی میان دو ابرقدرت قاره‌ای در آسیا باشیم. از این رو، می‌توان گفت که افزایش رقابت‌ها در دو حوزه اقتصادی و نظامی میان دو کشور هندوستان و چین در درون مرزها و نیز در مناطق پیرامون این دو کشور، می‌تواند به افزایش ناامنی در سطح آسیا در آینده دامن زند.

## ۶-منابع

- ۱- آریپکرینگ، توماس، «هند، چین و روسیه از نگاه ایالات متحده آمریکا» ترجمه مجید علوی کیا، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۴، شماره ۱، صص ۹۳-۱۰۸، ۱۳۷۹.
- ۲- ایوانز، گراهام و جفری نونام، فرهنگ روابط بین الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۱.
- ۳- راثی تهرانی، حبیب، «نظریه هژمونی آنتونیو گرامشی» کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۱۶، صص ۹۹-۱۰۸، ۱۳۸۸.
- ۴- سلیمانی پورلک، فاطمه، «راهبرد امنیتی- دفاعی چین؛ عوامل و روندها» فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۲۸، صص ۱-۳۶، ۱۳۸۹.
- ۵- قاسمی، فرهاد، اصول روابط بین الملل، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۱.
- ۶- کرمی، جهانگیر، «هژمونی در سیاست بین الملل: چارچوب مفهومی، تجربه تاریخی و آینده آن» پژوهش علوم سیاسی، شماره ۳، صص ۱-۲۸، ۱۳۸۵.
- ۷- کگان، رابرت، بازگشت تاریخ و پایان رؤیایها، ترجمه علی آدمی و افشین زرگر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۱.
- 8-Aggarwal, Raj , “**India in the World Economy: Role of Business Restructuring**” Review of Market Integration, Vol. 2.2010,pp181-228.
- 9-Anand, Mohit, **India-ASEAN Relations Analyzing Regional Implications**, New Delhi: Institute of Peace and Conflict Studies,2009.
- 10- **Data ASEAN Economic Community Chart book 2014 (2015)** Jakarta.
- Denoon, David B. H. , **The Economic and Strategic Rise of China and India Asian Realignments after the 1997 Financial Crisis**, New York: Palgrave Macmillan.2007.
- 11-Economy, Elizabeth,“**China's Rise in Southeast Asia: implications for the United States**”, Journal of Contemporary China, Vol.14, No.44.2005,pp409-425.
- 12-Gregory, Neil & Nollen Stanley & Stoyan Tenev , **New Industries from New Places: The Emergence of the Software and Hardware Industries in China and India**, Washington D.C.: Stanford University Press.2009.

13-Hong, Zhao , **India's Changing Relations with ASEAN in Chinas Perspective**”, EAI Background Brief, No. 313.2011,pp1-40.

14-IMF , “**World Economic Outlook**”.2011.

15- “**India ASEAN Trade and Investment Relations**” ,New Delhi,2015, in: [www.assochem.org](http://www.assochem.org)

16-**Indian Trade Porta**, 2017, in: <http://www.indiantradeportal.in/vs.jsp?lang=0&id=0,25,45,858,901>

17-Kang, David C. & Victor D. Cha, **China and India: Prospects for Peace**, New York: Columbia University Press.2010.

18-Layne, Christopher , **The Unipolar Illusion Revisited**”, International Security, Vol. 31, No. 2, 2006,pp5-51.

19- **Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China (2015)** at: [www.fmprc.gov.cn](http://www.fmprc.gov.cn)

20-Mohan, C. Raj , “**An Uncertain Trumpet? India’s Role in Southeast Asian Security**”, at: **India-ASEAN Defense Relations, Ajaya Kumar Das, Singapore: S. Rajaratnam School of International Studies, Nanyang Technological University,2013,pp134-150.**

21-Rosenberg, David , **ASEAN-China Relations: Realities And Prospect**, Edited by Saw Swee-hock, Sheng Lijun, & Chin KinWah, Singapore: Institute of Southeast Asian Studies Publications,2005,pp229-231.

22-Santos-Paulino, Amelia & Guanghua Wan , **The Rise of China and India: Impacts, Prospects and Implications**, Helsinki: UNU World Institute for Development Economics Research,2010.

23-chmidt, Brian C. , “**Realism and Facets of Power in International Relations**”, at: **Power in World Politics**, Felix Berenskoetter and M. J. Williams, New York: Taylor and Francis Group,2007.

24-Sutch, Peter & Juanita Elias , **International Relations: the Basics**, New York: Taylor & Francis Group.2005.

25-Wohlforth, William C “**Unipolarity, Status Competition and Great Power War**”, World Politics, Vol. 61, No.1.2005,pp28-57.